

فصل ۱

کلیات

هدف از ارائه این کتاب به هنرجویان رشته حسابداری، آشنایی با برخی قوانین و مقررات است که نه تنها در طول سال تحصیلی بلکه در سال‌های بعد و مقاطع درسی بالاتر و حتی درحین کار در محیط‌های خارج از محل تحصیل می‌توان از آن استفاده کرد. هدف اصلی از محتوای کتاب، **حفظ کردن مطالب آن نیست بلکه جهت درک بهتر محتوای آموزشی برای استفاده هنرجو می‌باشد. این کتاب ارزشیابی ندارد و هیچگونه آزمونی از آن به عمل نمی‌آید** در این کتاب سعی شده است که قوانین و مقرراتی که برای هنرجویان لازم است در یک جا گردآوری شود و نیاز به تهیه و یا جست‌وجو در منابع مختلف نباشد. همچنین سعی شده است مسیر توسعه و هدایت تحصیلی برای هنرجو توضیح داده شود تا از این رهگذر فرد آگاهانه برای آینده خود خط‌مشی ترسیم کرده به اهداف آموزشی خود دست یابد.

این کتاب شامل مجموعه‌ای از مفاهیم و اطلاعات و قوانین و مقررات و همچنین آگاهی از رشته و دورنمای شغلی آن است که به شرح زیر است:

- مفاهیم اولیه حسابداری
- آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی خزانه
- اسناد تجاری
- تعریف رویداد اقتصادی یا مالی
- اسناد و مدارک مثبت
- آیین‌نامه تحریردفاتر قانونی
- دستورالعمل و آیین‌نامه تنخواه‌گردان
- مالیات بر ارزش افزوده
- قانون تجارت
- مغایرت بانکی
- واژنامه انگلیسی به فارسی

اصول حسابداری بر خلاف اصول علوم پایه و طبیعی که از قوانین طبیعت ناشی شده و منتج از مشاهده و تجربه قابل تکرار و سنجش می‌باشد، عمدتاً برخاسته از میثاق‌ها، قواعد و رویه‌هایی است که مورد قبول و پذیرش بیشتر حسابداران و مجامع حرفه‌ای حسابداری است. بنابراین می‌توان گفت که شرط اصلی در مورد اعتبار اصول و مفاهیم حسابداری، پذیرفته شدن آن توسط حسابداران بوده که مفهوم قابلیت پذیرش اصول خود به سه ویژگی مهم **مربوط بودن**، **عینی بودن** و **عملی بودن** استوار می‌باشد.

اصول حسابداری در هر کشوری بر حسب نیازها و میزان توسعه‌یافتگی آن کشور توسط مجامع حرفه‌ای حسابداری تدوین می‌گردد.

اگر چه در مورد طبقه‌بندی اصول و مفاهیم حسابداری تحت عناوین مفروضات، اصول و امثال هم اتفاق نظر وجود ندارد، لیکن یکی از طبقه‌بندی‌های معمول از اصول حسابداری به شرح زیر قابل ارائه می‌باشد:

الف) مفاهیم (مفروضات) بنیادی حسابداری

ب) اصول حسابداری

ج) اصول (میثاق‌های) محدودکننده حسابداری

الف) مفاهیم (مفروضات) بنیادی حسابداری

مفروضاتی عام و اصولی بوده که مبنای تهیه صورت‌های مالی و اساس وضع اصول حسابداری می‌باشند. این مفروضات عموماً به‌طور مشخص بیان نمی‌شود زیرا فرض بر پذیرش و استفاده از آنهاست و به همین دلیل نیازی به اثبات ندارند. مفروضات بنیادی حسابداری شامل مفاهیم زیر می‌باشد:

■ فرض تفکیک شخصیت

طبق این فرض، هر واحد اقتصادی (اعم از اینکه دارای شخصیت حقوقی و یا فاقد آن باشد) به‌عنوان یک واحد مستقل از مالک یا مالکان آن و نیز جدا از مؤسسات دیگر در نظر گرفته می‌شود. در مواردی که هدف سودمندی اطلاعات مالی بهتر فراهم شود، ممکن است شخصیت حسابداری مفهومی فراتر از شخصیت حقوقی پیدا کرده و یا بالعکس ممکن است مفهوم آن بسیار محدودتر از مفهوم واحد شخصیت اقتصادی باشد.

■ فرض تداوم فعالیت

فرض تداوم فعالیت بدین معنی است که واحد اقتصادی تا آینده قابل پیش‌بینی به فعالیت‌های خود ادامه خواهد داد مگر آنکه عکس آن ثابت شود.

فرض تداوم فعالیت مبنای طبقه‌بندی دارایی‌ها و بدهی‌ها به جاری یا بلند مدت می‌باشد. واحد انتفاعی اعم از قهری یا اختیاری، تصمیم‌ارکان ذی‌صلاح واحد انتفاعی به انحلال، انقضای مدت تعیین شده در اساسنامه، تحمل زیان‌های عمده و پیاپی و یا تعطیل بلند مدت تمام یا بخش عمده‌ای از فعالیت‌های یک واحد انتفاعی، وضعیت‌هایی است که می‌تواند فرض تداوم فعالیت را منتفی سازد.

■ فرض واحد اندازه‌گیری

فرض واحد اندازه‌گیری بدین معنی است که کلیه معاملات، عملیات و رویدادهای مالی باید بر حسب پول (به عنوان مقیاس مشترک اندازه‌گیری ارزش در کلیه مبادلات اقتصادی) مورد سنجش قرار گرفته و گزارش شود.

■ فرض دوره مالی

اصولاً نتایج واقعی حاصل از عملیات یک واحد اقتصادی را صرفاً می‌توان در پایان عملیات آن و پس از تصفیه کامل تعیین نمود. اما استفاده کنندگان از گزارشات و اطلاعات مالی نمی‌توانند تا آن موقع تأمل نمایند.

بنابه دلایل فوق، در حسابداری عمر یک واحد اقتصادی به دوره‌های زمانی نسبتاً کوتاهی به نام «دوره حسابداری» تقسیم می‌شود.

یکی از مزایای تقسیم عمر یک واحد اقتصادی به قطعات زمانی کوچک‌تر این است که ویژگی «قابلیت مقایسه» را فراهم کرده و امکان سنجش و ارزیابی نتایج حاصل از فعالیت‌های مؤسسات اقتصادی را در دوره‌های زمانی مختلف ایجاد می‌نماید.

■ فرض تعهدی

اساس فرض تعهدی بر این است که در حسابداری درآمدها به محض تحقق و هزینه‌ها به محض وقوع باید شناسایی و در حساب‌ها ثبت گردد.

در مبنای نقدی همان‌گونه که عنوان گردید درآمد به‌جای آنکه به هنگام تحقق شناسایی گردد به هنگام وصول در حساب‌ها ثبت می‌گردد. لذا درآمد قابل شناسایی در این مبنا به شرح زیر قابل محاسبه خواهد بود.

پیش دریافت درآمد + دریافتی از بابت حساب‌ها + درآمد نقدی = درآمد و اسناد دریافتی تجاری
همچنین هزینه‌ها (شامل قیمت تمام شده کالای فروش رفته و هزینه‌های دیگر) به ترتیب زیر قابل محاسبه می‌باشد.

پیش پرداخت خرید کالا + پرداختی از بابت حساب‌ها + خرید نقدی = قیمت تمام شده کالای فروش رفته و اسناد پرداختی تجاری

پیش پرداخت هزینه + پرداختی بابت هزینه‌های معوق + هزینه‌های نقدی = هزینه‌ها

ب) اصول حسابداری

قواعد کلی که مبنای لازم در مورد نحوه اندازه‌گیری، ثبت، طبقه‌بندی و گزارش نتایج معاملات و عملیات واحدهای اقتصادی را فراهم می‌آورد، اصول حسابداری نامیده می‌شود، اصول حسابداری برخلاف مفروضات بنیادی که جنبه زیربنایی دارند، عمدتاً به جنبه‌های کاربردی و عملی قضیه می‌پردازد و شامل اصول زیر می‌باشند:

■ اصل بهای تمام شده

■ اصل تحقق درآمد

■ اصل تطابق (مقابله) هزینه با درآمد

■ اصل افشا

■ اصل بهای تمام شده

طبق این اصل، دارایی‌های تحصیل شده در مبادلات باید به جای قیمت‌های جاری بازار، بر حسب بهای تمام شده ثبت و بر همین اساس نیز در صورت‌های مالی، منعکس گردد، بهای تمام شده که به آن «بهای تمام شده تاریخی» نیز می‌گویند، مبلغی است که نشان دهنده ارزش اقلام تحصیل شده در معاملات حقیقی و شرایط عادی می‌باشد.

■ اصل تحقق درآمد

ابتدا لازم است مفهوم «درآمد» و تعاریفی که از آن انجام شده، مشخص و عنوان گردد. استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۸، درآمد را به شرح زیر تعریف نموده است. «جریان ورود ناخالص و جوه نقد، دریافتی‌ها و سایر مابه‌ازاهایی که از فروش کالا، انجام خدمات و استفاده دیگران از منابع واحد تجاری که مولد سود تضمین شده (بهره)، حق امتیاز و سود سهام است، در روند عادی فعالیت‌های تجاری حاصل می‌شود.»

درآمد را می‌توان به سه طبقه اصلی تقسیم نمود:

- ۱ درآمد حاصل از فروش کالا
- ۲ درآمد حاصل از انجام خدمات و استفاده دیگران از دارایی‌هایی واحد اقتصادی که مولد سود تضمین شده، حق امتیاز، سود سهام، درآمد اجاره و مانند آن برای واحد مزبور باشد.
- ۳ درآمد حاصل از فروش سایر منابع نظیر فروش اموال و ماشین‌آلات یا سرمایه‌گذاری‌ها. بر اساس اصل تحقق درآمد، اغلب درآمد هنگامی شناسایی می‌شود که:
اولاً: فرایند کسب سود کامل شده باشد.
ثانیاً: مبادله‌ای انجام گرفته باشد.

فرایند کسب سود در خصوص فروش کالا، زمانی کامل می‌شود که:

- الف) فروشنده کالا کلیه خطرات و مزایای عمده ناشی از مالکیت را به خریدار انتقال داده باشد به‌گونه‌ای که تمامی مراحل عمده، تکمیل شده و فروشنده نسبت به حقوق مربوط به مالکیت مورد معامله، هیچ‌گونه مدیریت مستمر یا کنترل مؤثری نداشته باشد.
- ب) هیچ‌گونه ابهام قابل ملاحظه‌ای نسبت به موارد زیر وجود نداشته باشد:
 - ۱ مابه‌ازایی که از فروش کالا حاصل خواهد شد.
 - ۲ هزینه‌های مربوط به تولید یا خرید کالا که رخ داده و یا در آینده رخ خواهد داد.
 - ۳ میزان احتمالی برگشتی‌های فروش.

■ اصل تطابق هزینه با درآمد مالی

قبل از بیان مفهوم اصل فوق، لازم است تعریف مشخصی از «هزینه» انجام شود. تعریف معتبر از هزینه به شرح زیر قابل ارائه می‌باشد:

الف) «جریان خروج دارایی‌ها یا سایر موارد استفاده از دارایی‌ها یا ایجاد بدهی‌ها طی یک دوره که به منظور تولید و تحویل کالا، ارائه خدمت یا انجام سایر فعالیت‌ها در اجرای عملیات اصلی و مستمر واحد تجاری صورت می‌گیرد.»

ب) هزینه‌های دوره مالی، برخی دیگر از اقلام هزینه می‌باشند که در ظاهر هیچ‌گونه رابطه علت و معلول با درآمدها نداشته و ارتباط مستقیمی با درآمدها ندارند اما چون مربوط به عملیات یک دوره مالی معین می‌باشند باید به حساب هزینه همان دوره منظور شوند.

ج) مخارج غیر مرتبط با درآمدهای آتی. هرگاه نتوان بین مخارج انجام شده و ایجاد درآمدهای مشخص در آینده، ارتباط موجهی برقرار نمود، مخارج مزبور باید در دوره وقوع، به عنوان هزینه شناسایی شود.

■ اصل افشا

بر اساس اصل مزبور واحدهای اقتصادی موظفاند کلیه واقعیت‌ها و اطلاعات با اهمیت مربوط به فعالیت‌های مالی خود را به نحو مناسب در متن صورت‌های مالی اساسی و در صورت عدم امکان، در یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی گزارش و افشا نمایند. اصولاً در یادداشت‌های ضمیمه گزارش‌های مالی آن گروه از اطلاعات با اهمیت و مربوط ارائه می‌شود که انعکاس آن در متن اصلی صورت‌های مالی اساسی موجب تراکم بیش از حد اطلاعات و کاهش مطلوبیت آن می‌گردد. در هر حال تمام اطلاعاتی که عدم افشای آن در گزارشات مالی موجب می‌شود که این گونه گزارش‌ها گمراه‌کننده باشد، لازم است به نحو مناسب افشا گردد.

ج) اصول (میثاق‌های) محدودکننده حسابداری

اصول محدودکننده حسابداری دامنه عمل به اصول متداول و محدودیت‌های موجود در اعمال اصول مزبور را تشریح نموده و شامل اصول زیر می‌باشد:

■ فزونی منافع بر مخارج

اهمیت

بر اساس اصل فوق واحدهای اقتصادی مجازند در خصوص اقلامی که با توجه به وضعیت، محیط و عملکرد واحد از جهت ارزش، ناچیز و کم اهمیت می‌باشند از به کار گرفتن صحیح‌ترین روش‌های تئوریک اجتناب نموده و به جای آن از روش‌هایی استفاده نمایند که ارزان‌تر، عملی‌تر و راحت‌تر باشند.

اصولاً باید عنوان کرد که اطلاعاتی با اهمیت است که بتواند بر تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان که بر مبنای صورت‌های مالی اتخاذ می‌شود، تأثیر گذارد.

خصوصیات صنعت

در صنایع مختلف با توجه به ویژگی‌های خاص آن صنعت می‌توان اقدام به تعدیل و یا اصلاح روش‌های حسابداری نموده و یا از روش‌های جدیدی استفاده کرد به شرط آنکه اثبات گردد که روش‌های اصلاح شده و یا جدید اطلاعات سودمندتری نسبت به روش‌های پذیرفته شده حسابداری ارائه می‌نماید.

محافظه کاری (احتیاط)

واحدهای اقتصادی همواره به هنگام تهیه گزارشات مالی با ابهاماتی مواجه می‌باشند. چنین ابهاماتی با رعایت احتیاط باید در تهیه صورت‌های مالی و همواره با افشای ماهیت و میزان، مورد شناسایی قرار گیرند.

ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی

ویژگی‌های کیفی به خصوصیات اطلاعاتی می‌شود که موجب می‌گردد اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی برای استفاده‌کنندگان در راستای ارزیابی وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری مفید واقع شود.

الف) ویژگی‌های کیفی مربوط به محتوای اطلاعات

■ مربوط بودن

اطلاعاتی مربوط تلقی می‌شود که بر ارزیابی استفاده‌کنندگان نسبت به وقایع گذشته، حال و یا انتظارات آنان در خصوص رویدادهای آتی تأثیر گذاشته و موجبات تأیید، تعدیل و یا رد آن را فراهم ساخته و از این رهگذر بتواند بر تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان مؤثر واقع شود.

ویژگی مربوط بودن اطلاعات مبتنی بر مفاهیم:

به موقع بودن، سودمندی در پیش‌بینی و انتخاب «خاصه اندازه‌گیری» می‌باشد که هر یک از این مفاهیم به اختصار در زیر تشریح می‌شود:

■ به موقع بودن

بسیاری از اطلاعات مالی نسبت به گذشت زمان حساس بوده و بعضاً با مرور زمان ارزش و سودمندی خود را در تصمیم‌گیری‌ها از دست می‌دهند. بنابراین اطلاعات مالی باید در زمان مناسب در دسترس استفاده‌کنندگان قرار بگیرد.

■ قابلیت اتکا

اطلاعات مالی هنگامی قابل اتکا تلقی می‌شود که دور از هرگونه اشتباه با اهمیت و به شکل منصفانه و بی‌طرفانه تهیه شده و به طور صادقانه بیان‌کننده ارزش‌های مورد انتظار باشد.

■ بی‌طرفانه بودن

بی‌طرفانه بودن اطلاعات مالی بدین معنی است که در اندازه‌گیری فعالیت‌های مالی لازم است از هرگونه افراط و تفریط و یا خوش‌بینی و بدبینی اجتناب نموده و وقایع کوچک و کم‌اهمیت را بزرگ و رویدادهای با اهمیت را حقیر جلوه نداده و در عین حال از هرگونه پیش‌داوری پرهیز شود.

کامل بودن اطلاعات مالی هنگامی معتبر است که با در نظر گرفتن اهمیت واقعه، کلیه حقایق لازم در خصوص وقایع اقتصادی را بیان نماید. حذف بخشی از اطلاعات، ممکن است باعث شود که اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده شده و از مربوط بودن و قابلیت اتکای آن کاسته شود.

ب) ویژگی‌های کیفی مربوط به ارائه اطلاعات

■ قابل مقایسه بودن

استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی باید بتوانند صورت‌های مالی واحد تجاری را در طول زمان جهت تشخیص روند تغییرات در وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی با هم مقایسه نمایند.

۱ رعایت یکنواختی

به قابلیت مقایسه اطلاعات مالی ارائه شده توسط یک واحد تجاری در طول زمان، رعایت یکنواختی گویند. عمل به مفهوم رعایت یکنواختی هرگز بدین معنی نیست که واحدهای تجاری پس از انتخاب رویه حسابداری، به هیچ وجه مجاز به تغییر آن نمی‌باشند.

۲ همسانی روش‌ها (متحدالشکلی)

اصطلاحاً به قابلیت مقایسه نتایج حاصل از عملیات دو یا چند واحد اقتصادی شاغل در یک صنعت واحد و در یک مقطع زمانی مشخص اطلاق می‌شود.

۳ قابل فهم بودن

اطلاعاتی قابل فهم تلقی می‌شود که برای استفاده کنندگان عادی که دارای دانش متعارفی از حسابداری می‌باشند، قائل درک بوده و حتی الامکان عملیات و رویدادهای مالی را به زبانی ساده و با اصطلاحاتی متداول توصیف نماید.

تضاد بین ویژگی‌های کیفی و لزوم ایجاد تعادل بین آنها

این مطلب که اطلاعات مالی دارای کلیه ویژگی‌های کیفی باشد بسیار مطلوب است اما این خصیصه که ویژگی‌های مختلف و به‌ویژه دو ویژگی «مربوط بودن» و «قابلیت اتکا» غالباً با هم رابطه معکوس داشته و تقویت یکی به بهای تضعیف دیگری تمام می‌شود، موجب گردیده است اهمیت بیش از حد قائل شدن به یک ویژگی و کم اهمیت دانستن ویژگی دیگر موجب کاهش سودمندی اطلاعات برای تصمیم گیرندگان خواهد شد.

استفاده کنندگان از اطلاعات مالی

استفاده کنندگان از اطلاعات مالی را به‌طور کلی به دو دسته می‌توان تقسیم نمود:

۱ استفاده کنندگان داخلی (درون سازمانی)

۲ استفاده کنندگان خارجی (برون سازمانی)

از تعاریف بسیار معتبر و نسبتاً جدید حسابداری، تعریفی است که در آن عنوان شده:

«حسابداری یک سیستم اطلاعاتی است که اطلاعات مالی مربوط به واحدهای اقتصادی را اندازه‌گیری، پردازش و گزارشگری می‌نماید».

اشخاص تصمیم می‌گیرند

فعالیت اقتصادی اتفاق می‌افتد

اطلاعات اقتصادی ایجاد می‌گردد

اطلاعات اقتصادی توسط حسابداران شناسایی و اندازه‌گیری و ثبت و گزارش می‌شود

اطلاعات مزبور به استفاده کنندگان اجازه می‌دهد تا از بین روش‌های مختلف استفاده از منابع کمیاب در اداره فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، روشی معقول را انتخاب نمایند.

معادله حسابداری

معادله حسابداری چیست؟
کاربرد آن در حسابداری چگونه است؟
آیا الزامی برای استفاده از این معادله در حسابداری وجود دارد؟ یا خیر؟

اصلی ترین الزام در حسابداری به کار بستن کلیه دستورالعمل‌ها و قوانین و مقررات مربوطه بوده، و اصلی ترین قانون در حسابداری رعایت معادله حسابداری در هر رویداد مالی است.

برای آشنایی با مفهوم معادله حسابداری و استفاده کاربردی آن ابتدا لازم است توجه شما را به این نکته جلب نماییم که به طور کلی اجزا و اقلام اصلی حساب‌ها در حسابداری عبارت‌اند از:

- دارایی‌ها
- بدهی‌ها
- سرمایه
- درآمد
- هزینه

که در ادامه به توضیح درباره آنها می‌پردازیم:

دارایی‌ها

دارایی‌ها منابع اقتصادی مؤسسه هستند، که فعالیت‌های اقتصادی با استفاده از آنها انجام می‌گیرد. اموال، مطالبات و سایر منابع اقتصادی متعلق به یک مؤسسه، که در نتیجه معاملات، عملیات مالی ایجاد شده، قابل شناسایی به پول و دارای منافع آتی است، «دارایی» نامیده می‌شود. لازم به ذکر است مؤسسات بر حسب نوع و حجم فعالیت‌شان، دارایی‌های مختلفی دارند. انواع دارایی‌ها شامل موارد زیر است:

الف) وجه نقد

وجه نقد عبارت است از موجودی نقد و سپرده‌های دیداری نزد بانک‌ها و مؤسسات مالی، اعم از ریالی و ارزی.

ب) مطالبات

بیانگر طلب مؤسسه از اشخاص دیگر است که در حسابداری شامل حساب‌های دریافتنی و اسناد دریافتنی می‌باشد.

ج) حساب‌های دریافتنی

شامل مطالبات مؤسسه از دیگران است که بابت آن، سفته یا چک از شخص بدهکار دریافت نشده است.

د) اسناد دریافتنی

اسناد دریافتنی شامل مطالبات مؤسسه از دیگران است که بابت آن سفته یا چک از شخص بدهکار دریافت شده است.

چنانچه سررسید اسناد دریافتنی یک سال یا کمتر باشد به عنوان **اسناد دریافتنی کوتاه مدت** و چنانچه سررسید آنها بیشتر از یک سال باشد به عنوان **اسناد دریافتنی بلند مدت** بیان می‌شود. اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات: دارایی‌هایی که برای انجام عملیات یا فعالیت‌های یک مؤسسه مورد استفاده قرار می‌گیرند و عمر بیشتر از یک سال دارند را تحت عنوان اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی می‌نماییم. به این دارایی‌ها، **دارایی ثابت** نیز می‌گویند. زمین، ساختمان، وسایل نقلیه، ماشین‌آلات جهت تولید، اثاثه اداری نمونه‌هایی از این دارایی‌ها هستند.

■ پیش پرداخت‌ها

مبلغی است که قبل از تحویل کالا یا خدمات به صورت غیرقطعی در وجه ذی‌نفع پرداخت می‌گردد.

■ علی‌الحساب

مبلغی است که پس از تحویل کالا یا خدمات به صورت غیرقطعی در وجه ذی‌نفع پرداخت می‌گردد.

■ موجودی‌های مواد و کالا

موجودی‌های مواد و کالا به دارایی‌هایی گفته می‌شود که به منظور فروش یا استفاده در ساخت محصول یا مصرف در ارائه خدمات، تهیه و نگهداری می‌شود.

موجودی‌هایی که برای فروش نگهداری می‌شوند **موجودی کالا** می‌نامند و موجودی‌هایی را که به منظور استفاده در ساخت محصول و یا ارائه خدمات نگهداری می‌شوند را **موجودی مواد** می‌گویند.

اقلام مصرفی را نیز تحت عنوان ملزومات در حساب‌ها و گزارشات ثبت می‌کنند.

■ ملزومات

نوعی از دارایی است که در جریان فعالیت‌های یک مؤسسه خریداری می‌شود و به تدریج به مصرف می‌رسد مانند: نوشت افزار و ...

بدهی‌ها

به تعهدات ایجاد شده برای یک مؤسسه در قبال اخذ وجه نقد و یا دریافت کالا یا خدمات به طور غیرنقدی، که با پرداخت به طور نقد یا انتقال دارایی یا انجام خدمات، باید تسویه شود را بدهی می‌گویند.

از جمله اجزای اصلی بدهی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

■ اسناد پرداختنی

اسناد تجاری صادره از سوی ما نزد دیگران که بواسطه اخذ کالا یا خدمات به ایشان داده‌ایم.

■ حساب‌های پرداختنی

بدهی‌های ما به دیگران که در قبال آنها هیچ مدرکی (نزد اشخاصی که از ما طلب دارند) نداریم.

■ وام پرداختنی

میزان بدهی ما بابت استقراض منابع مالی از اشخاص حقیقی یا حقوقی (بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و...

■ پیش دریافت‌ها

وجوه دریافت شده از سایر اشخاص در قالب یک تعهد مشخص که بابت این دریافت هنوز هیچ فعالیتی در قبال آن تعهد از سوی دریافت‌کننده وجه انجام نشده است.

■ سرمایه

سرمایه عبارت است از مابه‌التفاوت دارایی‌ها و بدهی‌های یک مؤسسه که بیانگر حق مالی مالک یا مالکان یک مؤسسه می‌باشد.

سرمایه مؤسسه ناشی از آورده نقدی و یا غیرنقدی مالک (یا مالکان) به‌هنگام تشکیل مؤسسه و یا پس از تشکیل مؤسسه است. آورده نقدی مالک شامل وجوه نقدی است که مالک (یا مالکان) در مؤسسه سرمایه‌گذاری می‌کند و آورده غیر نقدی شامل دارایی‌هایی غیر از وجه نقد است که مالک یا مالکان به‌عنوان سرمایه به مؤسسه می‌آورد.

■ درآمد

به کلیه دریافتی‌های اشخاص (شامل وجه نقد و یا اسناد دریافتنی و یا حساب‌های دریافتنی) که در قبال فروش کالا یا ارائه خدمات از کلیه اشخاص کسب می‌نماید، درآمد می‌گویند.
(درآمد باعث افزایش دارایی‌ها و کاهش بدهی‌ها می‌گردد)

■ هزینه

تمامی اشخاص به منظور اداره امور و کسب درآمد مخارجی را متحمل می‌شوند که باعث خروج وجه نقد و کاهش دارایی‌ها و افزایش بدهی‌ها می‌گردد که به آن هزینه می‌گویند. مانند هزینه حقوق و دستمزد، هزینه آب و برق و تلفن و...
در حسابداری، معادله زیر را **معادله اصلی حسابداری** می‌گویند:

$$\text{دارایی‌ها} = \text{بدهی‌ها} + \text{سرمایه}$$

همان‌طور که ملاحظه می‌نمایید اگر به سرمایه هر شخص (حقیقی یا حقوقی)، بدهی‌های او نیز اضافه گردد، می‌توان میزان دارایی آن شخص را به‌دست آورد.

زبان حسابداری بدهکار و بستانکار است. (یا همان بد و بس) مهم‌ترین و اساسی‌ترین کار حسابدار این است که بتواند رویدادهای مالی را به زبان حسابداری تفسیر نماید. یعنی یک حسابدار باید بتواند با استفاده صحیح از دانش خود، تمام وقایع و رویدادهای مالی را شناخته و تجزیه و تحلیل نموده و بداند که این رویداد بر کدام یک از سرفصل‌های حسابداری (یک یا چند سرفصل در بدهکار یا یک یا چند سرفصل در بستانکار) تأثیرگذار می‌باشد.

بدین معنی که به جای اینکه بگوییم عددی را در سمت راست یک حساب بنویسیم، می‌گوییم آن حساب را بدهکار کنیم و همین‌طور به جای اینکه بگوییم عددی را در سمت چپ یک حساب بنویسیم، می‌گوییم آن حساب را بستانکار کنیم.